

عنوان مقاله:

نگرشی پسا ساخت گرایانه بر مرگ بهرام در شاهنامه فردوسی

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم انسانی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

رؤیا سیدالشهدائی - نویسنده مسئول مکاتبات، دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

سامان بی باک - مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی امهباد

شیرین حسینی - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

در این مقاله بر آنیم که با بررسی زیبا شناسانهی مرگ یکی از شخصیت های حماسه فردوسی گوشه ای از قابلیت پویایی و تأویل این اثر را تصویر نمائیم. بنیاد اسطوره ای تاریخی متون حماسی در ظاهر آنان را به سوی تفسیر ناپذیری سوق می دهد درحالی که بافت داستان های شاهنامه به گونه ای است که متن را به شدت تأویلی می نماید. حماسه فردوسی بافتی پارادوکسی دارد: از سویی در آن نشانه هایی است که به نحوی اساسی اصیل و واقعی همچون مشخصه هایی منسجم و متناسب و نظام مند موجودیت دارند و از سوی دیگر تأویل و تفسیر در آن متوقف نمی شود و به شدت بافت زدا و معنا ساز و سرشار از ابهام است، پیوسته می کوشد فاقد بافت قطعی بماند، غیر تاریخی و غیر مکانی جلوه کند و بر خود جاودانگی ببخشد. گزینش مرگ بهرام و جلوه زیبا شناسانه مرگ این قهرمان حماسی مناسبتی است در بیان ویژگی شگرف حماسه فردوسی که باوجود گرایش به ساختار پیوسته خصلتی پساساخت گرایانه دارد.

کلمات کلیدی:

شاهنامه، پساساختارگرایی، بهرام، مرگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/513373>

